DAILY
اراده
د افغان نشراتي مرکز ملي خپلواکه ورځپاڼه
۱۰۶۰
سال تاسیس ۱۳۷۹ هـ. ش

PROPERTY OF ACKU
AFGHAN MEDIA RESOURCE CENTER
A.M.R.C

مولوی نذیر د امریکا پرضد د جګړې لپاره افغانستان ته ځواکونه لیږي

یوې پیاوړې سخت دریځې ډلې، چې ویل کېږي د پاکستان د پوځ له ملاتړه برخمنه ده، ویلي چې د بې پیلوټو الوتکو د حملو په ځواب کې به په افغانستان کې د امریکایي پوځیانو پرضد وجنګېږي. د پاکستان د ان انګلیسي ژبې ورځپاڼې په وزیرستان کې د دېره مولوي نذیر د ډلې د دوو قوماندانانو په قول راپور ورکړ، چې دوی په پام کې لري، چې پر جنوبي وزیرستان د امریکا د بې پیلوټو الوتکو د حملو د دوام په صورت کې خپل کسان افغانستان ته ولیږي چې له امریکایي پوځیانو سره په جګړه کې برخه واخلي. **۳مخ**

یولسم کال – دویمه دوره، ۱۰۶۰ مه ګڼه، پرله پسې ۲۱۳۵ ګڼه د ۱۳۹۰ ل-د غبرګولي ۲۱ مه – د شنبې ورځ، د ۱۴۳۲ هق رجب ۱۰ مه د ۲۰۱۱ د جون ۱۱ مه

آیا مشکل تاجران افغان در پاکستان حل خواهد شد؟

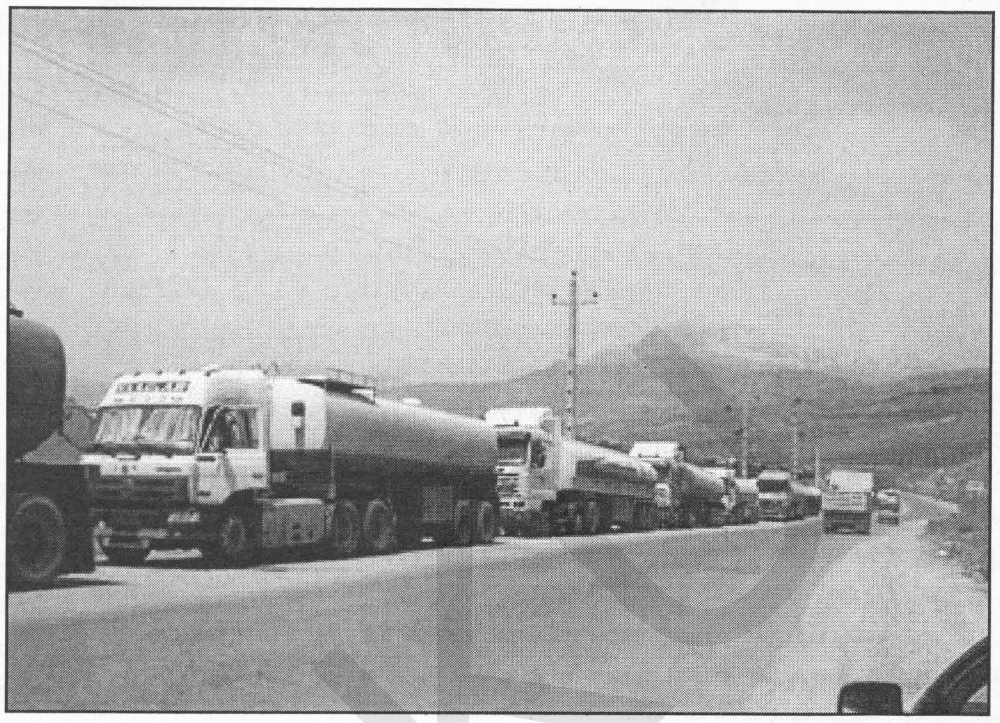

پاکستان کشوری است در همسایه گی با افغانستان. این کشور طولانی ترین سرحد با افغانستان را دارد. به باور اکثر افغان ها خشونت ها و ناآرامی های چندین دهۀ اخیر افغانستان به نوعی ریشه در اسلام آباد دارد. زیرا این کشور، در تلاش است، با ناامن ساختن افغانستان، به اهداف و منافع خود در منطقه و این کشور دست یابد. روی همین ملحوظ، دیپلوماسی دولتمردان افغان در برابر این کشور، همواره از بی کاره گی و ناکارآمدی رنج می برد. افزون براین، این کشور در دیگر زمینه ها نیز، در برابر افغان ها مشکل می آفریند؛ یکی از مشکلات اساسی یی که طی سالیان دراز بین پاکستان و افغانستان لاینحل باقی مانده است؛ مشکل تاجران افغان در خاک این کشور است. هم اکنون هزارها کانتینر پر از اموال تاجران افغان در بندر کراچی متوقف می باشد و حکومت پاکستان به آنها اجازۀ ورود به افغانستان را نمی دهد.

در گذشته ها، در مورد مشکلات تاجران افغان در خاک پاکستان بین مقام های افغان و پاکستانی حتا در حضور سران بلندرتبۀ امریکایی که خود را متحد هر دو طرف می داند، بحث هایی صورت گرفته و حکومت پاکستان بارها وعده سپرده که به مشکلات مهاجران افغان در بندر کراچی این کشور رسیده گی می نماید. چنانکه نخست وزیر پاکستان در آخرین سفر خود به کابل که دو ماه پیش صورت گرفت، وعدۀ قطعی سپرد، زمانی که به اسلام آباد برگردد، این مشکل مرفوع خواهد شد، ولی تا کنون از این وعده ماه ها سپری می شود، اما مشکل تاجران افغان در پاکستان همچنان بر جای خود باقی است.

به باور کارشناسان صلاحیت برنامه ریزی سیاست **ص۳**

تعداد تلفات حملۀ انتحاری کندز به ۲۲ کشته و زخمی رسید

تعداد تلفات ناشی ازحملۀ انتحاری در مسجد جامع شهرکندز به چهارکشته و۱۸ زخمی رسید. یک حملۀ انتحاری دیروز در مسجد جامع رستاق اباد شهر کندز که مراسم فاتحه خوانی جنرال داوود داوود قوماندان سابق زون ۳۰۳ پامیر جریان داشت، صورت گرفت. داکتر ظفرنوری رییس صحت عامۀ کندز گفت که دراین حادثه ۴ پولیس کشته و۱۸ تن زخمی شده اند. نوری گفت که درمیان زخمی شده گان ۱۴ تن پولیس و ۴ فرد ملکی شامل بوده که وضعیت صحی دو تن ملکی وخیم می باشد.

سید سرور حسینی سخنگوی قوماندانی امنیۀ کندز گفت که این حملۀ انتحاری زمانی به وقوع پیوست که فرد انتحاری می خواست داخل مسجد شود. وی گفت که هدف حمله کننده پاسوال سمیع الله قطره قوماندان امنیۀ کندز که دراین مراسم فاتحه خوانی اشتراک نموده بود. جنرال محمد داوود داوود قوماندان زون ۳۰۳ پامیر و جنرال شاه جهان نوری، قوماندان امنیۀ تخار با یک تعداد افراد دیگر به تاریخ ۷ ماه جاری در اثر یک حملۀ انتحاری در مقام ولایت تخار، کشته شدند. حسینی افزود که قوماندان امنیۀ کندز ازاین حمله جان به سلامت برد، اما سه پولیس کشته و بشمول ۴پولیس و۳ فرد ملکی هفت تن مجروح شده اند. تاکنون مسوولیت این حمله را کسی بعهده نگرفته است.

در آستانۀ سفر رییس جمهور کرزی به پاکستان

۱۷۶ افغان توسط پولیس پاکستانی بازداشت شد

پولیس پاکستان می گوید که از شب گذشته به اینسو ۱۷۶ افغان را در مسیر راه چمن ایالت بلوچستان بازداشت کرده اند.

اکثریت بازداشت شده گان هزاره، ازبک و تاجک اند که از افغانستان به طرف کویته در حرکت بودند.

نعمت الله سرحدی یک خبرنگار محلی در منطقۀ چمن دیروز گفت که از چند روز به اینسو، پولیس پاکستانی در کویته و چمن بررسی های بیشتر را در مقایسه به گذشته، انجام می دهند.

وی افزود که در این اواخر، افغان هایی که از این راه عبور و مرور می نمایند، با مشکلات زیاد از طرف پولیس پاکستان مواجه اند.

شاهنواز خان آمر پولیس در منطقۀ چمن به آژانس خبری پژواک گفت که از شام **ص۳**

مقررهای جدید در مربوطات وزارت امور داخله

در حالی روند انتقال مسوولیت های امنیتی در حال انجام است و همزمان با آن، خشونت ها و ناامنی ها هم به طور بی سابقه در حال گسترش است، وزارت امور داخله دست به یک سلسله تغییرات و تبدیلی ها در مربوطات این وزارت زده است. به گزارش رسانه ها، به اساس پیشنهاد وزارت امورداخله و منظوری ریاست جمهوری، مقرری های جدید در آن وزارت صورت گرفته است: سمونوال زمری "بشری" رییس مطبوعات و سخنگوی وزارت امور داخله به صفت رییس تاسیسات بین المللی قوماندانی زون ۱۰۱ آسمایی و غلام صدیق "صدیقی" کارمند مرکز اطلاعات و رسانه های حکومت به صفت رییس مطبوعات و سخنگوی وزارت امور داخله تقرر حاصل کرده اند . همچنان به اساس این تغییرات مل پاسوال غلام سخی "رحیمی" رییس محافظت تاسیسات بین المللی قوماندانی زون ۱۰۱ آسمایی به صفت معاون اطرافی قوماندانی زون ۱۰۱ آسمایی و سمونوال عبدالنبی الهام افسر ریاست عمومی عملیات های خاص به صفت قوماندان امنیۀ ولایت زابل مقرر گردیده اند.

۲۰ جولای سر آغاز مرحلۀ اول انتقال مسوولیت های امنیتی به نیروهای افغان

مرحلۀ اول انتقال مسوولیت تامین امنیت به نیروهای افغان که شامل هفت ساحۀ افغانستان است، در اواخر ماه جولای و مرحلۀ دوم در ماه دسمبر آغاز می شود.

جنرال تم ایونس یک مقام بلند پایۀ نظامی آیساف از طریق یک کنفرانس ویدیویی از افغانستان به خبرنگاران گفت: انتقال مرحلۀ اول مسوولیت امنیت ساحات از نیروهای آیساف به نیروهای افغان در بیستم ماه جولای آغاز می شود.

رییس جمهور کرزی هم در ماه مارچ گفته بود، گام نخست روند طولانی خروج نیروهای خارجی از افغانستان، در ماه سرطان آغاز خواهد شد.

به نوشتۀ خبرگزاری خبری رویترز، جنرال دیوید رادریگیوز قوماندان عملیاتی نیروهای ناتو در افغانستان که در همین کنفرانس ویدیویی با خبرنگاران صحبت می کرد، گفت: حکومت افغانستان برای به عهده گرفتن مسوولیت امنیت مرحلۀ اول آماده گی می گیرد و مقام های افغان رو در رو با مقام های ناتو در سطح محلات به منظور آماده گی

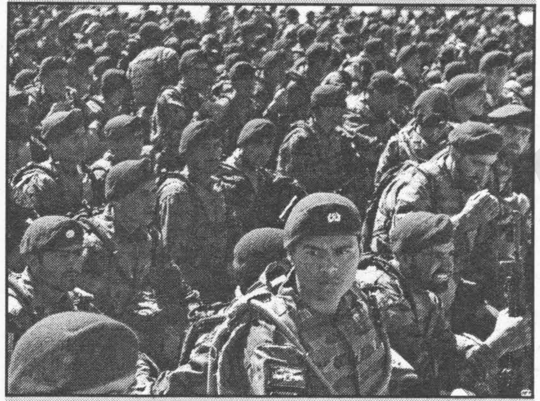

برای تحویل دهی مسوولیت مذاکره می نمایند و از پلان آیساف کاملاً راضی هستند.

رادریگیوز گفت: مقام های افغان منتظر مرحلۀ دوم انتقال مسوولیت امنیتی خواهند بود که قرار است در خزان سال جاری اعلان شود.

او گفت: این حرکت یک بخشی از استراتیژی ناتو برای توسعۀ تدریجی نیروهای امنیتی افغان است، تا زمینه را برای کاهش نیروهای خارجی که اکنون با شورشیان طالب می جنگند، آماده بسازد.

این در حالی است که انتظار می رود، بارک اوباما در ظرف چند هفتۀ دیگر اعلان کند که از جمله یک صد هزار عسکر امریکایی چه تعداد در ماه جولای از افغانستان خارج شوند.

مخالف سیاسی یا تروریست؟ ۲

ACKU

د لوی او بښونکي خدای (ج) په نامه

سرمقاله

رییس جمهور کرزی از پاکستان چه می خواهد؟

رییس جمهور کرزی دیروز در رأس هیأتی به منظور دیدار با مقام های پاکستانی، عازم این کشور شد.

این سفر کرزی در حالی صورت می گیرد که از سویی پروسهٔ انتقال مسوولیت های امنیتی به نیروهای افغان و خروج تدریجی نیروهای خارجی از افغانستان در حال آغاز شدن است و از سوی دیگر مذاکرات با مخالفان مسلح جهت استقرار صلح در کشور نیز بیش از هر زمان دیگر مسألهٔ داغ روز شمرده می شود.

به همین اساس، گفتگو با مقام های ارشد دولت پاکستان از جمله رییس جمهور و صدراعظم دربارهٔ چگونگی رویارویی با تهدید طالبان در افغانستان و پاکستان و روند جریان یافتهٔ مذاکرات صلح، هدف اصلی دیدار دو روزهٔ کرزی از اسلام آباد می سازد.

گفتگو دربارهٔ مسایل دو جانبه و منطقه یی و نیز تشکیل کمیسیون مشترک صلح در سطح وزرای خارجه، از دیگر برنامه های کرزی در سفر به پاکستان است.

دیدار کرزی از اسلام آباد در شرایطی انجام خواهد شد که پاکستان پس از کشته شدن" اسامه بن لادن" رهبر القاعده در شهر ایبت آباد این کشور توسط کماندوهای امریکایی و افشای زنده گی مخفی وی، با انتقادهای گستردهٔ بین المللی رو به رو شد.

رییس جمهور کرزی چند روز پس از کشته شدن بن لادن در نشست خبری یی با منشی عمومی ناتو در کابل، بر خلاف گذشته، از پاکستان انتقاد نکرد و با برادرانه خواندن روابط دو کشور، با مردم پاکستان نیز به دلیل پیامدهای حملات تروریستی، ابراز همدردی کرد.

کارشناسان بر این باور اند، کرزی ظاهرا به این تتیجه رسیده که ادبیات سیاسی صرفا انتقادی در قبال پاکستان بی فایده است و ادبیات جدید باید بر مبنای حس تفاهم دو جانبه در برخورد با تهدیدات مشترک، شکل گیرد.

بر همین اساس است که اجرای توافق اپریل گذشتهٔ کرزی و یوسف رضا گیلانی صدراعظم پاکستان مبنی بر تشکیل کمیسیون صلح مشترک، از سوی رییس جمهور افغانستان به طور جدی دنبال می شود. در این کمیسیون که مقام های ارشد سیاسی و امنیتی دو کشور حضور دارند، ضمن بررسی راه های تقویت صلح و ثبات، دربارهٔ شیوه های ترغیب طالبان به مذاکرات صلح با دولت افغانستان نیز، تبادل نظر صورت خواهد گرفت.

کرزی در واقع در صدد است، با جلب همکاری دولت پاکستان بتواند، ناکامی نیروهای خارجی درمقابله با طالبان را با کامیابی در مذاکرهٔ صلح با این گروه، جبران کند تا در این کشور ثبات استقرار یابد.

از نظر مقام های دولت افغانستان، موفقیت استراتیژی این کشور مبنی بر ترغیب گروه های مسلح مخالف دولت در پیوستن به روند صلح، منوط به همکاری موثر اسلام آباد با کابل است. با توجه به مواجه بودن افغانستان و پاکستان با تهدید مشترک طالبان، همکاری جدی دو کشور دریافتن راهکاری موثر برای ترغیب این گروه به گفتگوهای صلح، ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

مخالف سیاسی یا تروریست؟

نگارنده: دکتراندس م. نبی هیکل

همزمان با تشدید فعالیت های تخریبی و تروریستی از یکسو و تشدید فعالیت ها و تبلیغات صلحخواهانهٔ حکومت افغانستان از سوی دیگر، موضوع تعریف دوست و دشمن و تعریف مخالفان مسلح و تروریستان نیز، در مباحث سیاسی در محراق توجه قرار گرفته است. اینکه در جامعه شناسی می گویند "naming is framing" اساس سایکالوژیک و ذهنی دارد؛ زیرا نامگذاری دید و موضعگیری را انعکاس می دهد. زمانی که غرب حرکت مجاهدان را حمایت و هدایت می کرد، به آنانی که بم گذاری می کردند، می سوختاندند، شهرها و محلات مسکونی را هدف راکت قرار می دادند، مکاتب و کتابخانه ها را می سوختاندند، " مبارزان راه آزادی (freedom fighters) لقب دادند، و حزب حاکم و اتحاد شوروی آنان را شورشیان و اشرار می خواندند و اعمال شان را تروریستی می دانستند. در جهان چنین بوده که به قولی " تروریست یکی، مبارز راه آزادی دیگری است". چرا چنین است؟ با اسم گذاری انسان ها، بخصوص ایلیت ها (سیاسی، اجتماعی، مذهبی و اقتصادی) رابطه، علاقمندی و موضعگیری شان را به گونهٔ مانفیست یا لاتینت ابراز می نمایند. یادکردن طالبان که به صورت مسلحانه و غیرمسلحانه علیه حکومت و متحدان خارجی آن می جنگند، به این یا آن اسم، بحث ها و سوال هایی را موجب گردیده است که می شود آن را به دو دستهٔ موضعگیری های رسمی یا حکومتی و موضعگیری غیرحکومتی، تقسیم نمود. ایلیت حاکم از زمانی بدینسو موضعگیری خود را ایدیولوژیک ساخته و سیاست خود را در دو عرصهٔ مهم - هم در برابر آنانی که عملاً در ایتلاف جنگ علیه تروریزم با آنها می جنگد و هم در برابر حامیان این دسته ها- فورمولبندی و با هم دیگر هماهنگ ساخته است. به عبارت دیگر، ایلیت حاکم پذیرفته که برای بقای خود، راهی جز مصالحه با مخالفان و حامیان آنان ندارد و این راه را بر غیر از آن (یعنی راه تعیین مشی سیاسی بر اساس منافع و مصالح علیای کشور) ترجیح داد. عواملی که ارجحیت این گزینش را در سیاست ایلیت حاکم موجب گردیده، تا حد زیاد روشن است و به صورت عمده شامل فکتورهای وادارنده و فکتورهای جاذب یا کشنده می باشد که مورد بحث کنونی ما قرار ندارد.

این سیاست ها دارای چه مشخصات اند؟

ما شاهد دو سیاست جداگانه، مگر هماهنگ و همسو می باشیم. یکی در برابر آنانی که به این یا آن دلیل موجه برای نیروهای سیاسی مسلح و غیر مسلح داخلی و هم برای جامعهٔ جهانی و شورای امنیت سازمان ملل (متفق) متحد (من به این دلیل سازمان ملل متحد را سازمان ملل متفق نام گذارده ام که:

۱) همواره در مسایل خیلی عمدهٔ بین المللی و سرنوشت ساز بر اساس توافق کشورهای متفق بر یک موضعگیری معین عمل می نماید" مانند موضوع عراق، حمله بر کویت، حمله بر لیبیا. و

۲) اعضای این سازمان متحد نیستند.) نه تنها از حاکمیت در افغانستان به زور بر انداخته شدند، بلکه به حیث تروریستان و متحدان القاعده جنگی به نام" جنگ علیه تروریزم" نیز، برضد آنان برانداخته شد.

سیاست دومی مشی ایلیت سیاسی حاکم را در برابر دو کشور همسایه" پاکستان و ایران، تشکیل می دهد، کشورهایی که با ایلیت سیاسی حاکم و با نیروهای سیاسی تصمیم گیرنده در حیات سیاسی و اقتصادی در افغانستان، روابط پیشینه و علایق اعتقادی، همبستگی برادرانه و تمایلات سیاسی همگون دارند. این نیروها بر اساس گزارش های رسانه ها در بی امنیتی افغانستان، فعالانه سهم دارند. مشخصهٔ روابط این سه کشور این است که آنها منافع و اهداف استراتیژیک شان را در روابط با افغانستان در نظر می گیرند، در حالی که سیاست حکومت افغانستان می خواهد، منافع ملی و اهداف استراتیژیک افغانستان را بر اساس منافع این دوکشور هماهنگ سازد.

سیاست ایلیت حاکم در برابر طالبان:

سیاست ایلیت حاکم دارای دو مشخصهٔ عمده می باشد:

فراهم آوری زمینه های مصالحه و تلاش برای کسب رضایت طالبان:

ایلیت حاکم برای تحقق این هدف تاکنون به اقدامات زیر دست زده است: شورای عالی صلح را ایجاد نموده، تا برای تحقق خواست های طرف مقابل تلاش نماید و شرایطی را که رضایت آنان را بتواند حاصل نماید، مشخص نماید. این شورا تا کنون رهایی زندانیان و حذف نام سران طالبان را پیشنهاد کرده است. زندانیان طالبان را از زندان رها نموده و تصمیم گرفته شده، تا ادارهٔ امر و نهی دوباره تشکیل گردد. بر طبق آخرین خبر نشر شده از سوی تلویزیون طلوع تا ماه ثور ۱۳۹۰ ده هزار زندانی طالب از بند رها شده اند. ایلیت سیاسی مشتاقانه برای خروج نیروهای خارجی کار می نماید و با پایگاه دایمی امریکا مخالفت دارد. این مسأله هنوز مورد چنه زنی های سیاسی قرار دارد. ایلیت حاکم تا چندی پیش نظر همسایه گان را در آن مورد لازمی می دانست.

نامگذاری و هویت سازی: ایلیت حاکم نه تنها از کاربرد تروریست و تروریستان به طالبان اجتناب می ورزد، بلکه ترجیح می دهد، اصطلاحات نرم مانند طالبان، مخالفان مسلح را به کاربرد. اعمال تروریستی را با وصف اینکه طالبان مسوولیت آن را متقبل می گردند، به آنها نسبت نمی دهد و معتقد است، طالبان کسانی اند که ناراضی اند و علاقمند صلح و مذاکرات می باشند. به صورت غیر مستقیم چنان وانمود می نماید که اعمال تخریب کارانه، کار طالبان نیست. یکتن از وزرای حکومت پس از انفجار فروشگاه مواد خوراکی در وزیر محمد اکبرخان در مصاحبه یی اظهار داشت، نباید چنان ساده شد که هر که بگوید که من سخنگوی فلانم و این کار را ما انجام داده ایم، قبول نماییم. مثال هایی وجود دارد که نشان می دهند، مقام های بلندپایهٔ حکومتی در آن سعی نموده اند، دست و روی آنانی را بشویند و عبا و قبای جدید به تن آنانی نمایند که پس از هر انتحاری مسوولیت آن را بر عهده گرفته اند. سفیر حکومت افغانستان در پاکستان اخیراً در حالی تلاش کرد، دست و دامن مقام های پاکستانی را از حمایت طالبان و القاعده پاک کند که رهبر القاعده که در ابیت آباد پاکستان مدت شش سال می زیست، در نتیجهٔ یک عملیات نیروهای خاص امریکایی به قتل رسید. ایلیت حاکم تا آن حد در این هویت سازی پیش رفته که حاضر شده، از ایجاد نماینده گی طالبان در این یا آن کشور حمایت نماید.

این سیاست نه تنها پیچیده گی هایی دارد، بلکه دشواری هایی خیلی جدی را برای افغانستان موجب خواهد شد.

پیچیده گی های سیاست ایلیت حاکم در رابطه با مصالحه با طالبان:

پیچیده گی های این سیاست از ماهیت مبارزهٔ سیاسی طالبان و وابستگی آنها ناشی می گردد. عمده ترین این پیچیده گی ها را نام می بریم.

۱. طالبان هم در دوران امارت و هم از آغاز جنگ با حکومت حامد کرزی و متحدان بین المللی آن تا کنون ثابت نموده اند که در موضعگیری خصومت با هموطن و وطن خود قرار دارند. فکر می کنم، نیازی به اثبات این حقیقت وجود ندارد. در این شکی وجود ندارد که ساختار هیرارشی تحریک طالبان مانند هر گروپ و دسته و حزب در شرایط جنگی و غیر جنگی از شرایط متاثر می گردد. فرسایشی شدن جنگ تحت فشارهای نظامی از یکسو و ظهور مشوق های جدید از سوی دیگر، امکانات افزایش در تعداد نیروی رزمی و فرار از آن را موجب می گردد. از سوی دیگر، بی ثباتی وضعیت و فقدان عدالت و دادخواهی در شرایط افغانستان انگیزهٔ نیرومند ی را برای استفاده جویی و بهره برداری از اوضاع به وجود می آورد. در چنین شرایط، پیوستن برخی از دسته ها و گروپ ها به حیات عادی، بخصوص در شرایط مساعد برای دریافت امتیازات سیاسی و تشدید جنگ از سوی طالبان، انکشاف مهمی شمرده نمی شود.

دلیل دیگری نیز، این استدلال را تقویت می نماید. تحریک طالبان از مدتی به اینسو تکتیکی را بر ابزار سیاسی خود افزوده اند. آنها تلاش دارند، اوضاع در حال انفجار را در افغانستان مفجر سازند. به عبارت دیگر، می خواهند، با استفاده از نارضایتی مردم بخصوص در برابر تلفات نظامی عملیات ناتو و آیساف مردم را به قیام وادارند؛ رویدادهای مزار و تخار مثال هایی از این تلاش ها اند. این خطر وجود دارد که کسانی از افراد پیوسته به پروسهٔ صلح با ماموریت پیوستن به پولیس ملکی و یا تحریک مقاومت ملی وارد کشور گردند.

تاریخ موجودیت طالبان نشان داده که تحریک طالبانی یک تحریک ایدیولوژیک سیاسی می باشد که بر باورمندی های اسلامی آمیخته شده است. وابستگی طالبان به حیث سربازان جنگی یک ساختار سیاسی دیگر مانند پاکستان یا آی. اس. آی صداقت تحریک متذکره را مورد سوال قرار می دهد. داعیهٔ ایجاد یک حکومت اسلامی

ص۳

ACKU

نگاهی به وضعیت کودکان...

اناسالم و تربیت ناهنجار باشد، متأثر از ساخت بیمار گونهٔ جامعه است؛ زیرا اثرات منفی تحولات سریع و نظام یافتهٔ اجتماعی - اقتصادی در مرحلهٔ اول، گریبانگیر نهادهای اجتماعی است که خانواده کوچکترین واحد آن است و سپس از طریق خانواده به فرد منتقل می شود.

وضعیت کودکان بی بضاعت در افغانستان و جهان:

در پیمان جهانی حقوق کودک که نماینده گان ۱۹۱ کشور جهان در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۸ آنرا پذیرفته اند و افغانستان نیز، به صورت مشروط آنرا پذیرفته، کودک کسی است که کمتر از ۱۸ سال داشته باشد، مگر اینکه بر اساس قانون ملی قابل اعمال سن قانونی کمتر تعیین شده باشد (پیمان جهانی حقوق کودک،۱۹۸۹).

بدین خاطر می توان گفت، ''کودکان بی بضاعت'' معمولا کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال هستند که به طرق گوناگون در حالات بسیار بدی در ویرانه ها مشغول زنده گی می باشند. براساس نتایج آماری در این خصوص در حال حاضر، ۱۰۰ میلیون کودک بی بضاعت در جهان وجود دارد که نیمی از آنها در کشور های امریکای لاتین و بقیه عمدتاً ''در کشورهای افریقای و آسیایی به سر می برند؛ طبق تعریف یونیسف، واژهٔ کودک بی بضاعت به کلیهٔ افراد زیر ۱۸ سال اطلاق می شود که در جاده ها از طریق گدایی، بزهکاری و اشتغال به شغل های کاذب فصلی ادامهٔ زنده گی می دهند و بسیاری از آنان بی سر پناه نیز، محسوب می شوند، یعنی خانه یی برای سکونت، خواب و نظافت ندارند. در افغانستان متأسفانه آمار دقیقی در دست نیست، لیکن بنا به گزارش های غیر رسمی فقط در کابل برآورد شده که ۲۰ هزار کودک بی بضاعت با سرپرست یا بدون سرپرست زنده گی می کنند. به طور کلی، یونیسف کودکان بی بضاعت را به دو دسته طبقه بندی می کند.

دستهٔ اول:

کودکان و نوجوانانی که غالباً ''در طول روز مشغول به کار اند و شب ها نزد خانواده های شان بر می گردند. این کودکان و نوجوانان ممکن است، از خدمات و امکانات اجتماعی مانند مکتب، مدرسه و دیگر نهادها و ارتباط با گروه های دیگر اجتماعی نیز، بهره مند باشند.

دستهٔ دوم:

کودکان ونوجوانانی که هم در جاده ها کار می کنند وهم احتمالاً ارتباطاتی با خانواده های شان ندارند. براین اساس، در برخی کشورها مانند برازیل جوانانی که در جاده به سر می برند، ۷ میلیون نفر از جمعیت را تشکیل می دهند، در هند کودکان بی خانمان را ۴۴ میلیون نفر تخمین زده اند که البته شامل کودکان کارگر نیز، می شود. در امریکای لاتین حدود ۴۰ میلیون نوجوان و جوان رها شده وجود دارند که بدون هیچ گونه حمایت اجتماعی در جاده ها سرگردان اند و دست به تشکیل گروه ها و باند هایی می زنند که پدید آورندهٔ ساختاری اجتماعی برای بقای فردی و جمعی آنان است. در کشور ما نیز، مسألهٔ کودکان بی بضاعت امر جدیدی نیست، لیکن افزایش چشمگیر آن در سال های اخیر باعث جلب توجه خاص مسوولان شده است که می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف. مشکلات صحی: در میان مشکلات صحی، سوءتغذیه مهمترین عامل بیماری کودکان بی بضاعت است. این کودکان به دلیل محرومیت از مواد مغذی و و یتامین ها و سایر ملزومات غذایی عمدتاً به مشکل سوءتغذیه دچار می شوند. بر اساس نتایج یک بررسی انجام شده، تمامی کودکان بی بضاعت دچار سوءتغذیه هستند. پس از آن بیماری های مزمن سیستم هاضمه است، به دلیل استفاده از موادغذایی ناسالم وغیر صحی ایجاد می شود. کودکان بی بضاعت به امراض پوستی نیز، مبتلا می شوند. شیوع این مرض بیشتر به دلیل آلوده گی محل زنده گی وخواب کودکان است و واگیردار بودن این بیماری ها باعث می شود که دیگران نیز، در معرض ابتلاء به آن قرار گیرند.

مشکل امرار معاش و نبود امکان دسترسی به مشاغل ثابت، کودکان بی بضاعت و بیش از بیش آنان را در معرض استثمار شدن و در نهایت درگیر شدن در فعالیت ها و موقعیت های خطرناک و غیرقانونی قرار می دهد که استثمار جنسی و نیز، اعتیاد به مواد مخدر به منظور ایجاد وابستگی هرچه بیشتر به رهبران گروه های قاچاق مواد مخدر از آن جمله است.

پیامد این وابستگی ابتلا به بیماری های جنسی به خصوص بیماری ایدز و قرار گیری در معرض ویروس HIV است.

شایان ذکر است که معمولاً ۱۵ درصد کسانی که در معرض ویروس HIV قرار می گیرند، به بیماری ایدز مبتلا خواهند شد، استفاده از مواد تزریقی نیز، در کنار سایر مواد مخدر نه فقط آنها را به اعتیاد مبتلا می سازد، بلکه احتمال آلوده گی آنها را به سایر بیماری های مسری بیشتر می کند.

ب. مشکلات رفتاری و اخلاقی: یادگیری فرهنگ خشن از ویژه گی های رفتاری و اخلاقی کودکان بی بضاعت است که به دلیل نقصان در فرایند جامعه پذیری و فرهنگ پذیری نمی توانند، رفتاری همسن سایر گروه های سنی خود داشته باشند. قطعاً کودکانی که در محیط خانواده گی ناسالم و بیمار رشد می کنند و بیشتر وقت خود را در جاده ها ومیدان ها در میان افراد مجرم می گذارنند، نمی توانند از تربیت صحیحی برخودار شوند و بالطبع در ایجاد ارتباط اجتماعی مناسب با دیگران نیز، ناتوان اند. گروه های بی بضاعت فرهنگ خاص درون گروهی دارند که استفاده از اصطلاحات خاص وغیر متعارف زاییدهٔ همین فرهنگ است.

همراهی وهمزیستی با مجرمان در این گروه ها و زنده گی مشترک با آنها در سرپناه ها حد اکثر زنده گی در خانواده هایی با مشکلات اقتصادی، از هم گسیختگی و محیطی پرآشوب و بحرانی از جمله زمینه هایی است که بستر مناسب و مساعدی را برای شکل گیری شخصیتی ناسازگار و نامتعادل مهیا می سازد و در چنین بستری قطعاً نمی توان به شکل گیری شخصیت سالم اجتماعی امیدوار بود. مشکل کسب درآمد سویی و افزایش تعداد کودکان بی بضاعت از سوی دیگر، آنها را به رقابتی هرچه بیشتر با یکدیگر ترغیب می کند و این رقابت تحقیر آمیز به همراه استفاده از روش هایی برای جلب ترحم دیگران و کسب درآمد بیشتر از سایران، وضعیت رقت انگیزی برای آنان به وجود می آورد.

ج: آسیب های اجتماعی: بسیاری از کودکان بی بضاعت به دلیل افتادن در دام قاچاقچیان و خلافکاران مورد سوء استفاده های جنسی قرار می گیرند. این کودکان که عمدتاً منبع درآمد خانواده هستند ممکن است، به دلایل گوناگون توسط نیروهای انتظامی بازداشت شوند که در این صورت، خانواده های شان برای رهایی آنها، اقدام می کنند. با وجود این، پس از آزادی مجدداً خانوادهای شان آنها را برای ادامهٔ امرار معاش از طریق تکدی و ... به جاده ها می فرستند.

در واقع، گذران زنده گی و امرار معاش راهی جز پیوستن به گروه های تبهکار و قاچاقچی پیشروی این کودکان قرار نمی دهد. این کودکان از همان اوایل شروع کار در دام گروه های قاچاقچی و خلافکار گرفتار می شوند و تحت آموزش های نامناسبی برای استثمار و بهره گیری های جنسی قرار می گیرند که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

_آموزش کودکان برای استفاده از آنها در حمل و توزیع مواد مخدر، مشروبات الکلی و مواد غیرقانونی دیگر. **ادامه دارد**

۱۷۶ افغان توسط پولیس ...

گذشته به اینسو، ۱۷۶ افغان را در منطقهٔ کوږک و برخی مناطق دیگر در مسیر راه چمن و کویته بازداشت کرده اند. به گفتهٔ وی، افغان های دستگیر شده، اسناد قانونی اقامت در پاکستان را با خود نداشتند. به گفتهٔ وی، اکثریت دستگیر شده گان هزاره، ازبک و تاجک اند که می خواستند، بعد از کویته به طریقهٔ غیرقانونی به ایران و کشورهای دیگر بروند. شاهنواز افزود که از جملهٔ افراد دستگیر شده، یک تعداد آنها در پوستهٔ پولیس سرحدی موجود اند و متباقی به زندان چمن انتقال یافته اند. قابل ذکر است که سه روز قبل در اثر یک حادثهٔ ترافیکی در کوه کوږک در مسیر شاهراه کویته و چمن، ۱۴ افغان کشته و ۱۲ تن دیگر مجروح شده بودند. بعد از کشته شدن اسامه بن لادن در پاکستان، روند دستگیری افغان ها از طرف پولیس پاکستان شدت یافته است. چند روز قبل نیز، پولیس پاکستان یک تعداد افغان ها را به اتهام قانون شکنی در شهر کویته دستگیر کرده بودند. این در حالی است که رییس جمهور کرزی دیروز طی یک سفر رسمی به اسلام آباد رسید.

مولوی نذیر د امریکا پر ضد د جگړې...

د مولوي نذیر کسان د افغانستان پولې ته نژدې پر جنوبي وزیرستان واکمن دي او د سیمې له حالاتو خبر کسان وايي، چې دا ډله د پاکستان د پوځ له ملاتړه برخمنه ده.

که څه هم د مولوي نذیر قومندانانو ډان ورځپاڼې ته ویلي چې دوی به پر جنوبي وزیرستان د امریکا د بې پیلوټه الوتکو د بمبارۍ د دوام په صورت کې افغانستان ته ځواکونه ولېږي، خو دا احتمال هم شته چې د مولوي نذیر کسانو دا اعلان د پاکستان د امنیتي چارواکو په سپارښتنه د پاکستاني طالبانو د هغه اعلان په ځواب کې کړی وي، چې ویلي یې و دوی به د افغانستان له خاورې د پاکستاني ځواکونو پر پوستو پراخو حملو ته دوام ورکړي.

مخالف سیاسی یا ترور ...

می تواند، فارغ از وابستگی سیاسی اقتصادی به پیش برده شود و نباید به سلب استقلال یک کشور دیگر یا تبدیل یک کشور به قمر کشور دیگر منجر گردد. انکشافات دو سال اخیر نشان داد که طالبان قادر نیستند، بدون رضایت پاکستان به مصالحه با افغانستان بپردازند. ما به یاد داریم که حتا اخبار مربوط به ابراز تمایل به مذاکره در برخی موجب دستگیری آنها گردید. پاکستان با چنان اقدام خواست، هم به آن افراد و هم به حکومت افغانستان بفهماند که راه صلح در افغانستان از پاکستان می گذرد و با آن کار نشان داد که پاکستان کنترول مذاکره و مصالحه را در دست دارد. با دیدار یوسف رضا گیلانی صدراعظم پاکستان به افغانستان شکی در این باقی نماند که پاکستان خود به نماینده گی از طالبان وارد چانه زنی سیاسی شده است، تا حضور خود را برای تامین منافع خود در مذاکرات صلح تامین نماید. آنچه تاکنون ثابت و غیر قابل تخطی باقیمانده عبارت است، از موضعگیری طالبان. آنها بر شرایط خود همچنان استوار باقیمانده اند. شرط مذاکره آنها را خروج نیروهای خارجی از افغانستان تشکیل می دهد. زیرا هم ما و هم آنها می دانند که با خروج آخرین سرباز، وحشت تاریخی دههٔ ۱۹۹۰ تکرار خواهد شد. بزرگترین پیچیده گی برای مردم و کشور این خواهد بود که:

۱) هرگاه بر مصالحه با طالبان بر اساس تشکیل یک حکومت مشارکت ملی توافق صورت گیرد، تضمینی وجود ندارد که حتا با حضور نیروهای خارجی در افغانستان، وضعیت در کشور بهتر از امروز گردد. و

۲) از آنجایی که تجربهٔ ده سال گذشته نشان داده، تحریک طالبان به حیث یک عامل وارد حیات سیاسی می گردد که با سایر عوامل و بازیگران از قبل موجود، از بسیاری جهات همسان می باشد. معلوم است که سه دهلیز ارتباطی نیرومند میان طالبان، القاعده، طالبان پاکستانی و احتمالاً عده یی از مبارزان جهادی وجود دارد: رابطهٔ ایدیولوژیک، رابطهٔ مالی و رابطهٔ قوای بشری که زیر عناوین همبستگی برادرانه و مبارزه علیه دشمن مشترک، صورت می گیرد. مهمترین تفاوت تحریک طالبان با احزاب جهادی این است که تاریخ آنها را دوبار در برابر هم قرار داده است. طالبان در واقعیت در نتیجهٔ بیکاره گی، فساد و بی عدالتی حکومت جمهوری اسلامی اول توانستند، با استناد بر اعتقادات اسلامی به سرعت به حکومت دست یابند. بار دوم این نیروها به کمک نیروهای امریکایی در برابر طالبان قرارگرفتند، تا حکومت از دست رفته را بازگیرند. تاریخ ممکن است، باردیگر به گونه یی تکرار گردد. افراطیت و تعصب فکری، وفاداری به پاکستان و ایران تحت نام اخوت اسلامی از یکسو، تمایلات پان اسلامیزم و در نهایت روحیهٔ ضد الحاد و بخصوص روحیهٔ ضدامریکایی از سوی دیگر، رشته هایی اند که نیروهای مطرح در حیات سیاسی افغانستان را با طالبان پیوند می دهد و با نفوذ طالبان در حیات سیاسی افغانستان، این احتمال با قدرت و نیرومندی وجود دارد که حکومت و مردم با بحران حاکمیت سیاسی درگیر شوند.

سیاست ایلیت اکم در برابر پاکستان:

ایلیت حاکم رضایت همسایگان (پاکستان و ایران) را اساس مشی سیاسی خود قرارداده است و می خواهد، این کشورها منافع افغانستان را در سیاست شان با افغانستان در نظر گیرند. این سیاست بخصوص پاکستان را در رابطه با مصالحه و مذاکره با طالبان در موقعیت بهتری قرار می دهد. تحقق پیمان همکاری های استراتیژیک و صلحی که موجب گردد، دستاوردهای نیم بند ده سال گذشته در درازمدت تحکیم و رشد یابند، بدون تغییر در سیاست خارجی افغانستان ممکن نخواهد بود.

مشخصه های این سیاست را:

۱) بردباری سیاسی، نظامی و اقتصادی(سیاست متبوع یا پسیف)،

۲) موضعگیری واحد برادری اسلامی و ضد امریکایی و

۳) همزیستی مسالمت آمیز با پاکستان تشکیل می دهد.

در حالی که سیاست حکومت پاکستان در رابطه با جنگ علیه تروریزم رسماً بر این موضعگیری استوار است که جنگ علیه تروریزم برای پاکستان به معنای جنگ علیه طالبان است که باید بادرنظرداشت حاکمیت ملی پاکستان صورت گیرد. به صورت لاتینت به این معناست که طالبان نباید علیه پاکستان به اقدامات خرابکارانه بپردازد. در برابر ایالات متحده این سیاست بر رعایت حاکمیت ملی پاکستان تاکید دارد.

آنچه را ایلیت سیاسی حاکم در افغانستان در برابر طلبان و حکومت پاکستان در پیش گرفته، از بسا جهات با هم در همسانی و توافق قرار دارند.

آیا مشکل تاجران افغان در پاکستان...

ها و راهکارهای دولت پاکستان در تمام عرصه ها، سازمان استخباراتی این کشور، آی. ایس. آی است. تا زمانی که در رابطه به یک مسأله این سازمان نظر مثبت نداشته باشد، اگر از سوی دولتمردان ده ها توافق و پروتوکول صورت بگیرد، کار را به جایی نمی برد.

به نظر می رسد، در روند مشکلات تاجران افغان در بندر کراچی نیز، دستگاه استخباراتی آی. ایس. آی دست اول می باشد. تا زمانی که این مشکل در دفتر این سازمان پرقدرت استخباراتی حل نشود، فکر نمی شود، شاهد حل واقعی این مشکل باشیم. اکنون که آقای کرزی طی سفر رسمی در رأس هیاتی وارد اسلام آباد شده و یکی از اجنداهای سفرش را بازهم همین روابط تجارتی و حل مشکلات تاجران افغان در بندر کراچی می سازد، ببینیم آی. ایس. آی در بدل چه امتیازی در این مورد گام برمی دارد و آیا این مرتبه مشکل تاجران حل خواهد شد و یا بازهم به صورت نمایشی در این راستا یک و دو توافقنامه و پروتوکول امضا خواهد شد؟ این پرسشی است که جریانات روزهای آیندهٔ سفر آقای کرزی به اسلام آباد، به آن پاسخ خواهد گفت.

ACKU

نگاهی به وضعیت کودکان بی بضاعت در افغانستان

محمد رفیع بیگ کندزی

قسمت: اول

یکی از آسیب های جدی که جامعهٔ ما را تهدید می کند، گسترش روز افزون کودکان بی بضاعت است که به دلایل گوناگون بخشی یا همهٔ اوقات خود را در جاده ها سپری و عمدتا" از طریق تکدی، بزهکاری و شغل های کاذب و فصلی امرار معاش می کنند.

گرچه آمار دقیقی از تعداد این کودکان در دسترس نیست، اما همین آماری که بر اساس جمع آوری بخشی از این کودکان تهیه شده، بیانگر اهمیت وعمق این فاجعهٔ عظیم ملی است که صرف نظر از مشکلات و مسایلی که در حال حاضر ایجاد می کند، پیامدهای ناگوارتری درآیندهای نه چندان دور برای جامعه در پی خواهد داشت.

ایجاد خانه ها یا آشیانه ها از جملهٔ سیاست هایی است که برخی از متولیان این امر برای جمع آوری کودکان و ایجاد نفوذ در پیش گرفته اند که در واقع، مراکزی هستند، برای پناه دهی به این کودکان. لیکن متأسفانه ایجاد این مراکز نیز نتوانسته، تأثیر چندانی بر افزایش روز افزون این پدیدهٔ ناگوار اجتماعی بگذارد و هنوز بسیاری از این کودکان، در میدان ها و چهار راه ها، شب و روز خود را سپری می کنند و هر روز بر تعداد آن ها افزوده می شود که در حال حاضر، کابل بیشترین تعداد کودکان را در خود جای داده است، ولی زمینهٔ گسترش این معضل در شهر های دیگر از جمله مزار، هرات و دیگر شهرها نیز، وجود دارد.

با توجه به آنچه گفتیم، به نظر می رسد، پرداختن به این پدیدهٔ اجتماعی و شناخت علل و عوامل آن ضرورتی است که باید در مباحث اجتماعی در نظر گرفته شود؛ لذا در این مقاله تلاش شده با عنایت به معلومات و مستندات مسألهٔ کودکان در کابل و علل و عوامل مؤثر بر آن، بررسی و راهکارهایی برای پیشگیری از این معضل اجتماعی یا کاهش آن پیشنهاد شود. تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به رغم تبعات مثبت برای نظام ها و جوامع گوناگون منشأ برخی مسایل و مشکلات اجتماعی نیز، هست. این مشکلات که عمدتا" در کشورهای در حال توسعه چون افغانستان به دلیل تطابق نداشتن بافت اجتماعی - اقتصادی با تحولات ایجاد شده به وجود می آید، شکاف عمیقی میان اقشار مختلف جامعه ایجاد می کند. بالطبع در این میان کودکان آسیب پذیرتر اند و لذا سریعتر و در حوزهٔ گسترده تری دچار مشکلات و مصایب آسیب زا می شوند.

به این دلیل، به نظر می رسد، نه فقط در بر نامه های کلان و درازمدت توسعه، بلکه در سایر برنامه های توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی نیز، باید این قشر مدنظر قرار گیرد.

به جرأت می توان گفت که جمعیتی چنین جوان در صورت نبود برنامه ریزی مناسب و صحیح، موجد بحران های عظیم و غیر قابل کنترول در جامعه می شود. بحران هایی که صرف نظر از ضایعات فکری و معنوی، آسیب هایی جدی به پیکرهٔ اقتصادی و اجتماعی جامعه وارد خواهد آورد.

پدیدهٔ "کودکان بی بضاعت" نیز، از جملهٔ این آسیب هاست که گرچه در چند سال اخیر به طور چشمگیری در کابل رو به فزونی نهاده، سابقهٔ طولانی یی در افغانستان و سایر کشورهای جهان دارد؛ بنابراین، از دیدگاه "بی سازمانی اجتماعی" به یکی از اثرات تحولات ایجاد شده در کشور یعنی پدیدهٔ "کودکان بی بضاعت" می پردازیم و ضمن بررسی علل آن، برخی از مسایل این کودکان همچون مسألهٔ آموزش، صحت و اشتغال را به طور اجمالی بررسی می کنیم. مسایل و مشکلات اجتماعی از مناظر گوناگون بررسی و تبیین شده است، لکن به نظر می رسد، رویکرد "بی سازمانی اجتماعی" برای طرح و بررسی مشکلات اجتماعی کارآتر است. این رویکرد، پس از جنگ جهانی اول، به تدریج جاگزین نظریهٔ "آسیب شناسی اجتماعی" در تبیین مسایل اجتماعی شد.

کودکان بی بضاعت:

موج مهاجرت مردم از روستا به شهر و در نتیجه، گسترش شهرنشینی، تحول اقتصاد زراعتی به صنعتی، ایجاد تکنالوژی های نوین، متحول شدن وسایل ارتباط جمعی و... تبعاتی داشت که از دیدگاه صاحب نظران، این رویکرد نه ناشی از خصوصیات و ویژه گی های روحی - روانی افراد، بلکه عمدتاً "متأثر از تحولات و تغییرات" اجتماعی بود. از این دیدگاه، به جای مقایسه با یک ارگانیزم، باید جامعه را عنوان نظامی عظیم و پیچیده توصیف کرد که قسمت های گوناگون آن باید برای ادامهٔ کارکرد خود هماهنگ شوند. مفهوم "سازمان اجتماعی" برای اشاره به این هماهنگی و انتظام توسعه یافت. از این منظر، مسایل و مشکلات اجتماعی ناشی از ضعف های اخلاقی افراد نیست، بلکه بیشتر ناشی از سیرت اخلاقی، اجتماعی و بی کفایتی خود مقررات اجتماعی است که ایجاد ناهماهنگی و نبود کنترول می کند و باید تغییر کند. از پیشگامان این رویکرد می توان از دبلیو. ای. توماس و فلوریان زنانیکی نام برد. بی سازمانی اجتماعی زمانی در جامعه رخ می دهد که نارسایی و شکست در پایگاه ها و نقش هایی که به هم مربوط می شود، به وقوع بپیوندد واهداف جمعی و فردی کمتر تحقق یابد. بی سازمانی اجتماعی نسبی و دارای درجاتی است. در عین حال، بی سازمانی اجتماعی در هر جامعه متأثر از قضاوت ها و انتظارات اجتماعی واخلاقی آن جامعه است. این امر باعث شده، معیارها و شرایط خاصی برای به وقوع پیوستن بی سازمانی اجتماعی وجود نداشته باشد؛ زیرا هر پدیده یی به تناسب فرهنگ جامعه تبیین می شود. به عبارت دیگر، چون بی سازمانی، امری وابسته به باورهای اخلاقی هر جامعه است، ممکن است، ظهور یک پدیده در جامعه یی، بی سازمانی تلقی شود، ولی در جامعهٔ دیگری بدین گونه نباشد. با وجود این، عواملی که در ایجاد بی سازمانی اجتماعی دخالت دارد تقریبا "در تمامی جوامع مشابه است که در این خصوص می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

وجود نارسایی و وقفه در ارتباط میان مردم: از این منظر بی سازمانی ممکن است، بر اثر نارسا یی ها و وقفه هایی باشد که در کانال های کارآمد ارتباطی میان مردم در نظام اجتماعی پدید می آید؛ مردمی که تابع رابطهٔ متقابلی میان آنچه از نظر اجتماعی ملزم به انجام دادن آن اند و آنچه به طور فردی می خواهند، انجام دهند، هستند.

نقص در فرایند اجتماعی شدن:

وجود نقص در فرایندهای اجتماعی شدن که نیازمند کسب گرایش ها، مهارت ها و شناخت برای کامل کردن نقش های اجتماعی است، یکی دیگر از دلایل بی سازمانی به شمار می رود؛ مثلا "به دنبال تحرک سریع اجتماعی" برخی از افراد پرتحرک قبل از اینکه به صورت کامل در پایگاه جدید قرار گیرند، انتظارات و خواسته های جدیدی مطرح می سازند. این امر، اختلالات و نقص هایی در وضعیت جدید ایجاد می کند که مشکلات بی سازمانی از آن ناشی می شود.

تربیت نادرست خواست های اجتماعی:

در برخی مواقع بی سازمانی ناشی از تربیت نادرست نیازها در مردمی است که به ناچار پایگاه های گوناگونی را در جامعه اشغال کرده اند. به عبارتی، فرد در اجرای نقش های متعدد و بعضا "متناقض با یکدیگر دچار آشفتگی ها و در گیری هایی درونی می شود و ممکن است، این فشارها منجر به ایجاد رفتاری غیراجتماعی و غیرقابل پیش بینی در او شود. پدیدهٔ "کودکان بی بضاعت" نیز، گرچه در نگاه اول متأثر از مشکلات تربیتی و اقتصادی درون خانواده ها به نظر می رسد، چنانکه با ژرف نگری بررسی شود، به خوبی می توان تأثیر تحولات سریع اقتصادی - اجتماعی نظام و ناهمگونی آنرا با بافت فرهنگی جامعه در آن دید.

در حال حاضر، نه تنها کارگزاران و متولیان سازمان های مربوط، بلکه تمامی آحاد جامعه باید در قبال مسألهٔ کودکان بی بضاعت احساس مسوولیت کنند و همه باید به نوعی در فراهم کردن زمینهٔ سالمی برای رشد و پروش این کودکان سهیم شوند.

پدیدهٔ کودکان بی بضاعت پیش از آنکه ناشی از خانوادهٔ

ص۳

ACKU

کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیر آمیز

ماده شانزدهم: ۱- هر دولت عضو، متعهد است که در قلمرو قضایی خود اعمال وحشیانه، غیر انسانی و رفتار های تحقیر کننده و مجازات هایی را که مشمول تعریف شکنجه و ماده یک این کنوانسیون نیست و این اعمال به تحریک و ترغیب و یا با رضایت و عدم مخالفت مامور دولتی و یا هر صاحب مقام دیگر انجام می گیرد، جلوگیری به عمل آورد. این تعهدات به ویژه، تعهداتی است که در مواد ۱۳- ۱۲- ۱۱ و ۱۰ مبنی بر تعویض و جایگزینی افرادی که در عمل شکنجه و یا دیگر اعمال و حشیانه غیر انسانی و رفتارهای تحقیر امیزی و مجازاتی خشن آمده است..

این پیام از طرف کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان تقدیم گردید

برای نشر اعلانات تان به این شماره ها تماس حاصل نمایید: ۰۷۰۰۲۴۴۳۸۴ / ۰۷۸۳۱۶۰۴۵۰ - ۰۷۰۰۵۹۶۲۰۵ / ۰۷۹۷۸۵۹۰۴۰

اراده ورځپانه یوازې
د سرلیکنې ننگه کوي،
نورې لیکنې د لیکوال
خپل نظر دی، ورځپانه یې
مسوولیت پر
غاړه نه اخلي.

حق الاشتراک:
قیمت یک شماره: (۵) افغانی
سالانه: ۲۰۰۰ افغانی
شش ماهه: ۱۰۰۰ افغانی
برای موسسات و سفارتخانه ها:
سالانه ۳۰۰ دالر امریکایی
شش ماهه ۱۵۰ دالر امریکایی

مرکز نشرات افغان
روزنامهٔ ملی اراده
موسس و صاحب امتیاز: حاجی سید داؤد
مدیر مسوول: خادم احمد
موبایل: - ۰۵ ۶۲ ۵۹ ۰۷۰۰
Khadem.kabul@yahoo.com
معاون: استاد مرتضی فرحتیار
موبایل: - ۰۷۹۷۲۵۳۱۶۴
Farhatyarm@yahoo.com

ادیتور پشتو: مجیب الرحمن امیری
موبایل: - ۰۷۰۸۸۸۷۰۶۶
دیزاین: انجنیر محمدجمیل "امیری"
همکار تخنیکی: محمدجمیل "احمدی"
مسوول توزیع و بازاریابی: عبدالسمیع
۰۷۰۰۲۴۴۳۸۴
ایمیل:
erada.daily@yahoo.com
آدرس: دهمزنگ، عقب سینمای
بریکوت، سرک اول کارته چهار.

ERADA DAILY
Afghan Media Resource center
Establisher and Concessionaire:
Haji sayed Daud
Editor in chief: Khadem Ahmad
Editor: Farhat yar
Pashto Editor: Mojiburahman Amiri
Designer: Eng, Mohammad Jamil Amiry
Address: Behind Baree kout-cinema,
first street of karti-e-char
Email: erada.daily@yahoo.com